

- (۱) هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی کاری حمایت شود.
- (۲) همه حق دارند که بی هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، مزد مساوی بگیرند.
- (۳) هر کس که کار می کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.
- (۴) هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه های موجود بپیوندد.

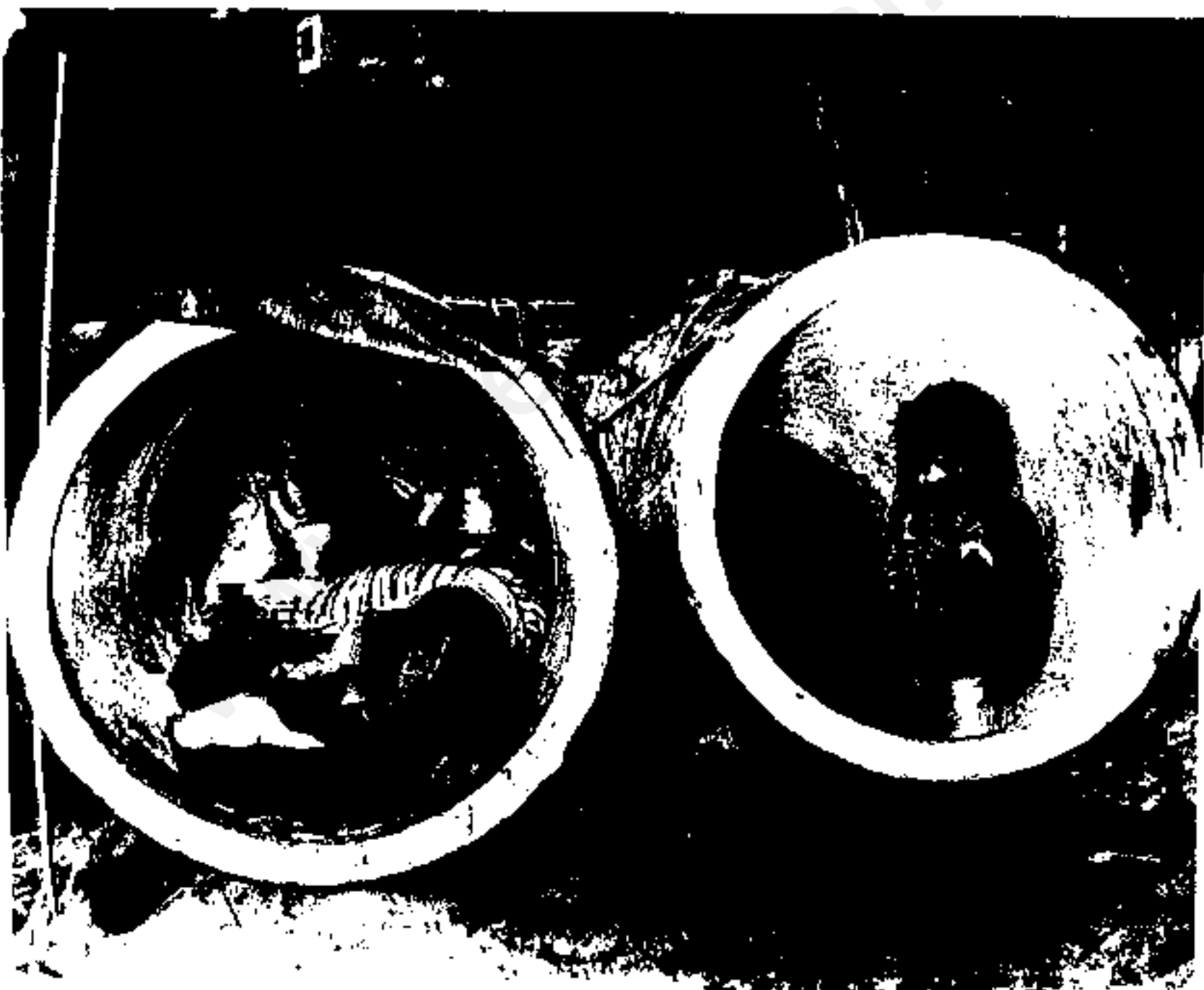
- هر شخصی حق استراحت، فراغت و تفریح دارد و به ویژه باید از محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ها و تعطیلات ادواری با دریافت حقوق بهره مند شود.



گروه کودکان در تعطیلات زمستانی

(۱) هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، به‌ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود؛ همچنین حق دارد که در مواقع بی‌کاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی مستقل از اراده‌ی خویش و سایل امرار معاشش را از دست داده باشد، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد.

(۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه‌ی کودکان، اعم از آن‌که در پی ازدواج یا بی‌ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره‌مند گردند.



(۱) هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش، و دست‌کم آموزش ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش فنی و حرفه‌ای باید همگانی شود و دستیابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان‌پذیر باشد تا هرکس بتواند بنا به استعداد خود از آن بهره‌مند گردد.

(۲) هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه‌جانبه‌ی شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری و دوستی میان تمام ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.

(۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود، بر دیگران حق تقدم دارند.



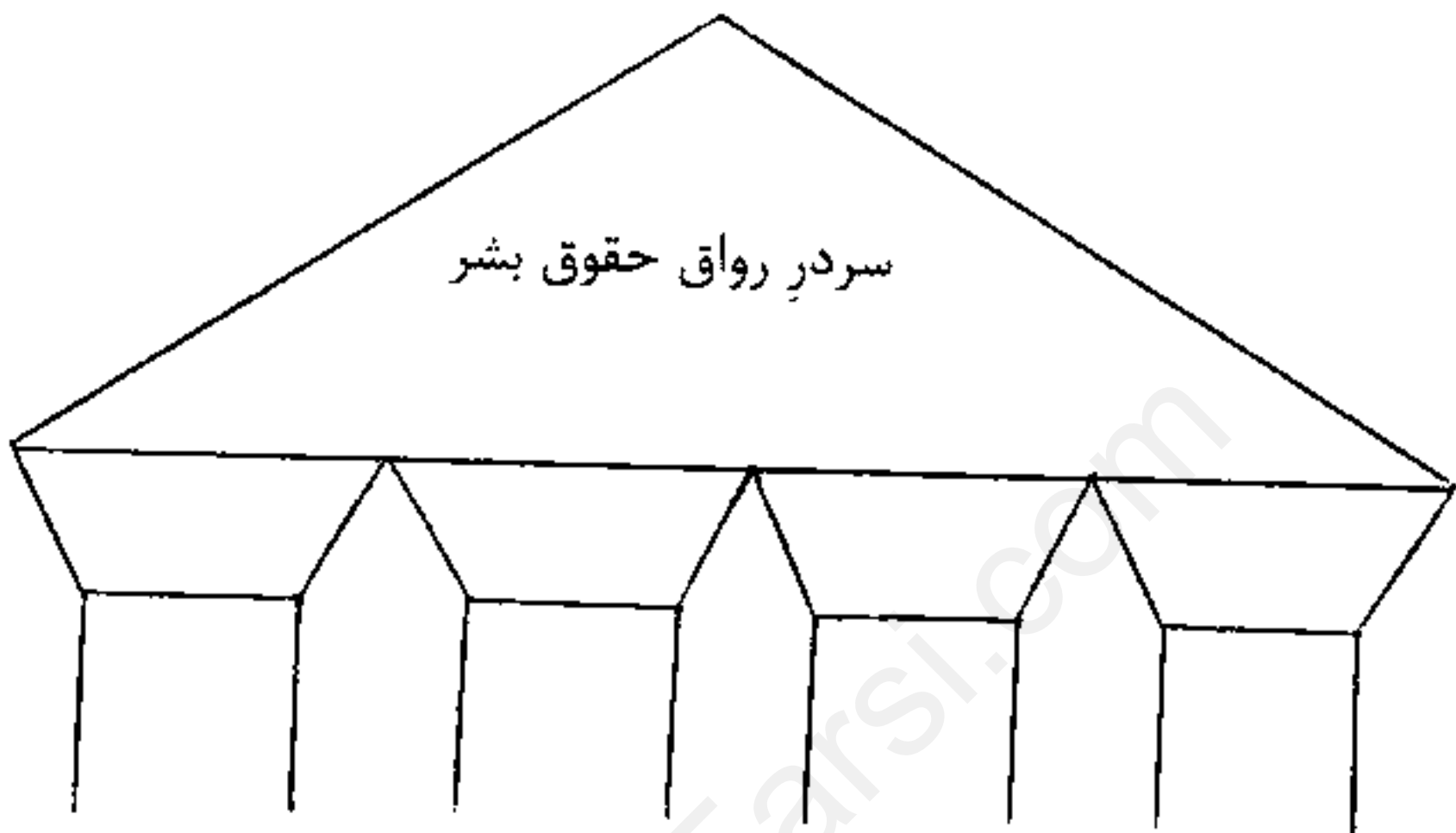
کودک کره‌ای در دبستان،

(۱) هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد و از هنرها و به‌ویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره‌مند شود.

(۲) هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، ادبی یا هنری خود برخوردار گردد.



## سردرِ رواقِ حقوق بشر



ماده‌ی ۲۸: - حق بهره‌مندی از یک نظم اجتماعی بین‌المللی که حقوق و آزادی‌های ذکر شده در «اعلامیه» را به تمامی تأمین و عملی سازد.

ماده‌ی ۲۹: - (۱) وظایف فرد در برابر جامعه

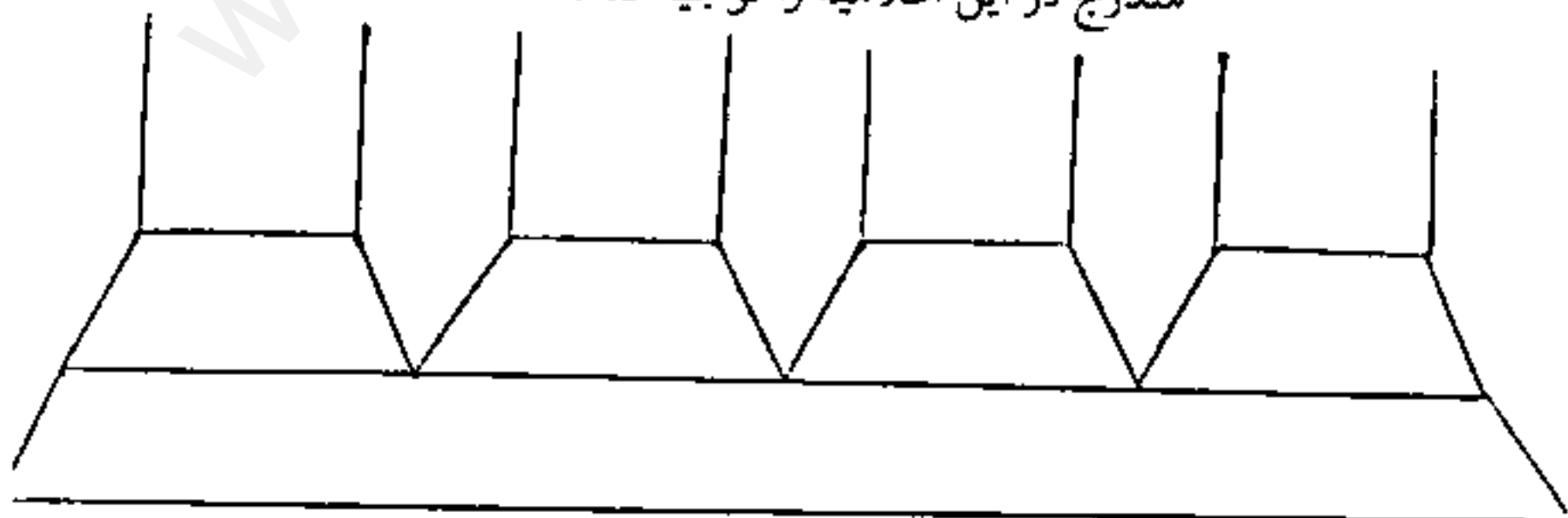
(۲) شناسایی حقوق و آزادی‌های دیگری

(۳) به اجرا درآمدن این حقوق بر مبنای هدف‌ها و اصول ملل متحد

ماده‌ی ۳۰: - هیچ‌یک از مقررات «اعلامیه» نباید چنان تفسیر شود که

اقدام‌های صورت‌گرفته برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های

مندرج در این اعلامیه را توجیه کند.



۲۸ هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصه‌ی اجتماعی و بین‌المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه را به تمامی تأمین و عملی سازد.



جمهوری آفریقای جنوبی

۲۹ (۱) هر فردی فقط در برابر آن جامعه‌ای وظایفی برعهده دارد که رشد آزادانه و همه‌جانبه‌ی او را ممکن می‌سازد.

(۲) هرکس در اعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه‌ی اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند.

(۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف هدف‌ها و اصول ملل متحد اعمال شوند.

۳۰ هیچ‌یک از مقررات اعلامیه‌ی حاضر نباید چنان تفسیر شود که برای هیچ دولت، جمعیت یا فردی متضمن حقی باشد که به موجب آن برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه فعالیتی انجام دهد یا به عملی دست بزند.



(طرح از پلانته)



مشعلی برای زندگی سرشار از شکوفایی

## حقوق بشر

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

فهرست زبان‌هایی که این اعلامیه به آن‌ها ترجمه شده است.

تاریخ انتشار: ۱۰ دسامبر ۱۹۸۷

زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد

۱. انگلیسی ۲. فرانسوی ۳. اسپانیایی ۴. روسی ۵. چینی ۶. عربی

زبان‌های دیگر

۷. آسامی	۲۲. بیرمانی	۳۹. ژاپنی	۵۵. لاتوسی
۸. آلبانیایی	۲۴. بیلا روسی	۴۰. سنگالی	۵۶. لهستانی
۹. آلمانی	۲۵. پالاوئی	۴۱. سوئدی	۵۷. لینگالایی
۱۰. امهاریکی	۲۶. پرتغالی	۴۲. سواحلی	۵۸. مارشالی
۱۱. اردو	۲۷. پشتو	۴۳. شامورویی	۵۹. ملاکاشی
۱۲. اروپایی	۲۸. بونایی	۴۴. صربی - کرواتی	۶۰. مالایایی
۱۳. اسپرانتو	۲۹. تاگالی	۴۵. عبری	۶۱. مالزیایی
۱۴. اسلوواکیایی	۳۰. تامیلی	۴۶. فارسی	۶۲. مجاری
۱۵. اسلونیایی	۳۱. تایلندی	۴۷. فنلاندی	۶۳. مقدونیه‌ای
۱۶. اندونزیایی	۳۲. ترکی	۴۸. فیلیپینی	۶۴. مهاراتی
۱۷. اوکرائینی	۳۳. ترکی	۴۹. کانادایی	۶۵. نیالی
۱۸. ایتالیایی	۳۴. تلوگویی	۵۰. کنیارواندایی	۶۶. نوروزی
۱۹. ایرلندی	۳۵. چکی	۵۱. کیروندیایی	۶۷. هلندی
۲۰. ایسلندی	۳۶. دانمارکی	۵۲. گجراتی	۶۸. هندی
۲۱. بلغاری	۳۷. دری	۵۳. گلی	۶۹. یابی
۲۲. بنگالی	۳۸. رومانیایی	۵۴. گورموخی	۷۰. یونانی



## وضعیت حقوقی و اخلاقی «اعلامیه‌ی جهانی»

مناظره در باب وضعیت حقوقی و اخلاقی «اعلامیه‌ی جهانی»

به هنگام نگارش آن

بیشتر کسانی که دست‌اندرکار نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بودند، عقیده داشتند که این اعلامیه هیچ نوع مبنای حقوقی ندارد. آنان معتقد بودند که در تدوین بیانیه‌ای مشارکت می‌ورزند که هدفش تأثیرگذاری بر وجدان‌ها است و در عین حال نخستین گام در راه رشته‌ای از توافق‌ها به حساب می‌آید که بعدها باید قدرت قانونی بیابند. هرچند النور روزولت این امید را بیان کرد که «اعلامیه» نوعی «منشور کبیر نوع بشر» باشد - اصطلاحی که ورد زبان‌ها شد - به‌طور منظم از دیدگاه ایالات متحد دفاع می‌کرد؛ در این دیدگاه، کوشش برای پی‌ریزی مبنای حقوقی حقوق بشر باید پس از اعلام احکام اخلاقی در اعلامیه‌ی جهانی پی‌گیری شود. بیشتر نمایندگان دیگر نیز طرفدار همین دیدگاه بودند و نظر خود را در جریان مناظرات «کمسیون» «شورای اقتصادی و اجتماعی»، «سومین کمیته» و «مجمع عمومی» همواره بیان می‌کردند. این به معنای آن نبود که نمی‌خواستند درگیر کاری شوند که در عرصه‌ی حقوق بین‌المللی پیامدهایی دارد. آنان نیز درست مانند النور روزولت به واقع قصد داشتند که کوشش‌های‌شان به تدوین گزاره‌هایی بینجامد که قدرت قانونی داشته

باشند. با این همه در آغاز بنا بود «اعلامیه‌ی جهانی» فقط اعلامیه‌ی اصول، اهداف و تمایلات باشد و نه یک سند حقوقی الزام‌آور. در حقیقت خود متن سند نیز گویی مؤید همین نکته بود، زیرا در آن آمده است که «مجمع عمومی» اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را «آرمان مشترک» تمام مردمان و ملت‌ها اعلام می‌کند، آرمانی که همه‌ی افراد و جوامع باید با تدابیری فزاینده به سوی آن به پیش بروند. این زبان بیشتر زبان اخلاق است تا زبان تعهد حقوقی.

در عبارات پیش‌نویس نهایی، برتری جنبه‌ی اخلاقی نسبت به تعهد حقوقی فقط در پرتو کوشش مشترک تعدادی از حکومت‌ها گنجانده و نمایان شد که پیشنهادهایی موافق این نکته را که «اعلامیه» بیان‌کننده‌ی اصول قانونی لازم‌الاجرا توسط ملل متحد یا در چارچوب دادگاهی بین‌المللی باشد، در حد امکان رد کردند. به عنوان مثال هامفری در یادداشتی خطاب به هانری لوژی، معاون و جانشین دبیرکل سازمان ملل متحد، نوشته بود این نظر که «کمیسیون حقوق بشر» بتواند دادخواست‌های عام را دریافت دارد، مسأله‌ای ایجاد نمی‌کند، اما در مقابل هر پیشنهادی مبنی بر این که همین کمیسیون بتواند شکایت‌های خاصی را دریافت کند، با توجه به ماده‌ی ۲(۷) منشور ملل متحد، مسائلی جدی را برمی‌انگیزد، البته جز در مواردی که این شکایت‌ها در مورد چیزی باشند که ماهیتاً صلح بین‌المللی را - آن‌گونه که در «منشور» تعریف شده - تهدید کنند.<sup>۷۳</sup>

دولت ایالات متحد به ویژه خواستار اجتناب از هر پیشنهادی بود که «اعلامیه» را در سطح بین‌المللی از نظر حقوقی لازم‌الاجرا بداند. در ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷، جیمز پ. هندریک، معاون النور روزولت که منصوب وزارت امور خارجه‌ی آمریکا بود، پس از جلسه‌ای کاری با وزیر وقت امور خارجه‌ی آمریکا، آ. لوت، برای النور روزولت یادداشت دست‌نویس زیر را فرستاد:

۷۳. یادداشت ج. هامفری به ه. لوژی، ۲۸ اوت ۱۹۴۶:

(Boîte 52, Dossiers Oscar Schechter, Archives ONU, NY)

تفسیرهای دیگری از ج. هامفری درباره‌ی مسأله‌ی دادخواست‌ها و مسأله‌ی عام‌تر اعتبار حقوقی ملل متحد در مورد حقوق بشر در یادداشت دیگری خطاب به هانری لوژی در ۲ اکتبر ۱۹۴۶ یافت می‌شود که در آن درباره‌ی تحلیل حقوقی ولینگتون کو در مورد کمیسیون حقوق بشر بحث شده است: (Dossier 605-1, Central Registry File, RAG - 1/73)

«آقای لوت به این پیامد ضمنی «پیش‌نویس اعلامیه» که تمام حقوق مندرج در آن بی‌درنگ لازم‌الاجرا باشند، ایراد جدی گرفته است. من بایستی می‌کوشیدم یکی از دو راه زیر را انتخاب کنم: یا با توجه به اشخاص متعددی که «اعلامیه» را تدوین و تصویب کرده بودند او را به پذیرش آن به شکل موجودش و ادار سازمان یا با تغییری بسیار ساده در «دیباچه‌ی اعلامیه» ایرادش را جدی بگیرم. به نظرم رسید حال که او این ایراد را طرح می‌کند (ایرادی که پیش از وی نیز افراد بسیاری گرفته بودند)، دیدگاهش ممکن است با دیدگاه همان مخاطبان هوش‌مندی همخوان باشد که ما در درجه‌ی اول خواستار تأمین رضایت‌شان هستیم. به‌علاوه جلب پرشورترین پشتیبانی ممکن او را بسیار مطلوب می‌دانستم. به همین سبب تسلیم شدم و پیشنهاد کردم که «دیباچه‌ی اعلامیه»، اعضای ملل متحد را به‌جای «رعایت کردن» حقوق مندرج در اعلامیه، به «ترویج» این حقوق فرا بخواند.

امیدوارم شما موافق باشید که این هوش‌مندانه‌ترین راه‌حل بوده است؛ اما همچنین امیدوارم که اگر موافق نیستید، نزد دین راسل بروید و نظری خودتان را بی‌هیچ تردیدی به او بگویید. به عقیده‌ی من نیروی استدلال‌های شما به خوبی تمام می‌تواند او را به پذیرش تصمیم گرفته‌شده، بازگرداند.<sup>۷۴</sup>

روز بعد، آلیس م. مک دایارمید، معاون بخش سازمان‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه رهنمودی را به النور روزولت ابلاغ کرد که صراحت کم‌تری داشت: «به نظر وزیر امور خارجه‌ی فعلی، اعلامیه‌ی حقوق بشر نباید به نحوی تدوین شود که این احساس به شهروندان و حکومت‌ها دست دهد که حکومت‌ها یا ملل متحد نوعی الزام قراردادی نسبت به تضمین حقوق بشر مندرج در آن دارند. در واقع چنین اعلامیه‌ای بسیار بیش از ثبت احکام قطعی، آرزوها و تمایلات را بیان می‌کند.»<sup>۷۵</sup>

۷۴. نامه‌ی جان. پ. هندریک به النور روزولت، ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷:

(Dossier «Geneva and Human Rights», Boîte 4587, Eleanor Roosevelt Papers).

۷۵. یادداشت آ. م. مک دایارمید به النور روزولت، ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷.

به پیوست یادداشت فوق پیش‌نویس تغییر یافته‌ی «اعلامیه» آمده بود که دیدگاه فوق را در نظر گرفته بود.<sup>۷۶</sup>

حقوق‌دانان عموماً اتفاق نظر داشتند که اعلامیه‌ای که بی‌تصویب رسمی دولت‌ها، فقط به تصویب مجمع عمومی رسیده، نمی‌تواند الزامی حقوقی را ایجاد یا حتی تعریف کند. به نظر یکی از کسانی که در آن هنگام از برجسته‌ترین افراد در زمینه‌ی مسائل حقوقی محسوب می‌شد، ناتوانی قضایی مفروض «اعلامیه» دلیلی درخور توجه نبود. سر هرش لاترپاچت، در گزارش بسیار مؤثر خود به «کنفرانس انجمن حقوق بین‌المللی» که در ۱۹۴۸ در بروکسل برگزار شد، ملامت بسیار تندی را بیان کرد:

«اعلامیه‌ای با این ماهیت در صورتی ممکن بود ارزشی اخلاقی داشته باشد که از نهادهایی صادر شده بود که وظیفه‌ی آن‌ها انتشار اندیشه‌ها و شکل بخشیدن به افکار است و اگر از چنین منبعی سرچشمه بگیرد، کلمات «نورها» و «تشویق» نیز ممکن است به همان اندازه‌ی اعمال معین نیرومند باشند.

اگر این اعلامیه را دولت‌ها صادر کنند، کلمات به هیچ‌وجه در حکم اعمال نیستند. آنچه وجدان بشر از دولت‌ها انتظار دارد، اعلام اندیشه‌ی حقوق بشر یا حتی شناسایی این حقوق نیست. آنچه وجدان جهانی از آن‌ها انتظار دارد، حمایت مؤثر و عملی از حقوق بشر است که به اجبارها و تعهدات واقعی و الزام‌آور نیاز دارد.»<sup>۷۷</sup>

←

(Dossier «Geneva and Human Rights», Boite 4587. Eleanor Roosevelt Papers).

<sup>۷۶</sup> خوانندگان به یاد می‌آورند که در کنفرانس سان فرانسیسکو نیز مسأله‌ای مشابه درباره‌ی واژگانی که باید در «منشور» در مورد امور مربوط به حقوق بشر به کار رود مطرح گشته و راه‌حل یافته شده هم مشابه بود.

77. H. Lauterpacht, «The Universal Declaration of Human Rights», *op. cit.* (37), p. 372.

بنابراین در آن هنگام بیشتر ناظران - هم دانشگاهیان و هم دیپلمات‌ها - بر این نظر بودند که «اعلامیه» تعهدات اخلاقی - و نه حقوقی - ایجاد می‌کند. در واقع هنگامی که «کمیسیون حقوق بشر» در اجلاس خود در دسامبر ۱۹۴۷ سه گروه کاری ایجاد کرد، گروه کار درباره‌ی تدابیر عملی در گزارش خود به این نتیجه رسید که:

«مسأله‌ی تدابیر عملی بیشتر به «معاهده» مربوط می‌شود تا به «اعلامیه». این «اعلامیه» در تحلیل نهایی به صورت یک «توصیه‌ی» مجمع عمومی ملل متحد درمی‌آید و در نتیجه، به معنای دقیق کلمه، به لحاظ حقوقی لازم‌الاجرا نخواهد بود. به همین سبب برای این گروه کاری، در نظر گرفتن تدابیر عملی برای تعهدی که در واقع جنبه‌ی حقوقی و الزام‌آور نداشت، آشکارا ناممکن بود.»<sup>۷۸</sup>

با این همه در همین زمان عده‌ای این نظر را مطرح کردند که «اعلامیه‌ی جهانی» پیامدهای حقوقی ظریف ولی واقعی دارد. مایه‌ی تعجب نیست که نمایندگان بعضی از دولت‌های آمریکای لاتین که - بیهوده - تأکید ورزیده بودند که واژگانی الزام‌آورتر به کار برده شود، در میان کسانی بودند که از نظریه‌ی تفسیر رادیکال‌تر «اعلامیه» دفاع می‌کردند.

به عنوان مثال نماینده‌ی پاناما چنین استدلال کرد که ماده‌ی ۲ (۷) «منشور» مانع از آن نیست که «اعلامیه» بر مبنای حقوق بین‌المللی کاربردپذیر باشد. به نظر او، خود «منشور ملل متحد» که حقوق بشر را مسأله‌ای بین‌المللی دانسته و برای سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حقوق بشر مسئولیت‌هایی را معین ساخته، این حقوق را به مثابه مسأله‌ای بین‌المللی تعریف کرده است و نه به مثابه مسأله‌ای که بنا به تعریف مندرج در «منشور»، «صرفاً به حیطه‌ی صلاحیت ملی» مربوط می‌شود.<sup>۷۹</sup> نماینده‌ی شیلی

78. Document des Nations Unies: UN doc. E/CN. 4/53, 10 décembre 1947, Commission on Human Rights, Second Session (Commission des droits de l'homme, 2<sup>e</sup> session), *Draft Report to the Working Group on Implementation* (Projet de rapport du groupe de travail sur les mesures d'application), p. 2 (Boîte 4595, Eleanor Roosevelt Papers).

79. M. de Leon (Panama), Third Committee, *Summary Records* (Comptes rendus

در پی گیری این استدلال، در عین پذیرش این نکته که از لحاظ حقوقی فقط معاهدات قدرت قانونی دارند، اعلام کرد که هرگونه نقض «اعلامیه» در حکم نقض «منشور ملل متحد» خواهد بود، زیرا یکی از اصول ملل متحد را نقض می کند. او یادآوری کرد که «اعلامیه» صرفاً حقوق اعلام و شناخته شده در «منشور» را آشکارا بیان می کند.<sup>۸۰</sup> از این دیدگاه، «منشور ملل متحد» است که حقوق بشر را بین المللی ساخته است. «اعلامیه» فقط در حکم تدوین، فهرست و سیاهه‌ی حقوق اعطا شده در «منشور ملل متحد» محسوب می شود که معاهده‌ای بین المللی است.

به نظر می رسد که چندین نماینده‌ی دیگر نیز - دست کم تا حدی - با چنین برداشتی موافق هستند. کنت کارتون دو ویارت (بلژیک) اعلام کرد که هرچند «اعلامیه» از ارزش اخلاقی بی سابقه‌ای برخوردار است، در عین حال در درون خود «مقدمات یک ارزش حقوقی» را نیز دارد.<sup>۸۱</sup> به نظر می رسد که رنه کاسن نیز مایل نبود که «اعلامیه» را سندی بدانند که صرفاً دارای ارزش اخلاقی است. او این نکته را مطرح کرد که «اعلامیه» نوعی ارزش حقوقی دارد، زیرا نخستین اعلامیه‌ی صادر شده از گروهی بین المللی است که «صلاحیت حقوقی» ویژه‌ای دارد.<sup>۸۲</sup> رنه کاسن به علاوه در این باره در «مجمع عمومی» اعلام کرد:

«بدیهی است که این اعلامیه به همان اندازه‌ای قوی و الزام آور نیست که تعهدات مندرج در معاهده‌ها ممکن است باشند. اما «اعلامیه»ی ما در قالب قطع نامه‌ای از «مجمع عمومی» تدوین شده که ارزش حقوقی توصیه را دارد؛ این اعلامیه در حکم گسترش «منشور» است که حقوق بشر را در حقوق موضوعه‌ی بین المللی وارد کرده، حقوقی که درباره‌ی آنها می توان گفت که اکنون در زمره‌ی چیزی قرار دارند که به «اصول عام حقوق» معروف گشته و در ماده‌ی ۳۸ دیوان داورى لاهه پیش بینی شده است. بنابراین من نمی توانم

←

du Troisième Comité), p. 43.

80. M. Hernan Santa Cruz (Chili), Third Committee, *Summary Records*, p. 50.

81. General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 880.

82. René Cassin, Third Committee, *Summary Records*, p. 62.

این اندیشه را بپذیرم که «اعلامیه» سندی صرفاً فرهنگستانی باشد. البته می‌پذیرم که این سندی بالقوه است و نطفه‌ای بیش نیست، اما این امر از لازم‌الاجرا بودن «منشور» هیچ چیزی کم نمی‌کند.<sup>۸۳</sup>

برخلاف نمایندگان کشورهای آمریکای لاتین و استاد کاسن که طرفدار تفسیرهایی بودند که گستره و اهمیت «اعلامیه» را افزایش دهند، دولت اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی چنین تفسیرهایی را فریبنده و در عین حال دست‌وپاگیر می‌دانست. اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی همواره می‌کوشید تعداد حقوق مندرج در «اعلامیه» را با این استدلال کاهش دهد که فقط حقوق شناخته‌شده‌ی جهانی در قانون‌های اساسی و نظام‌های حقوقی موجود باید در «اعلامیه» گنجانده شوند. هنگامی که در آغاز ۱۹۴۸، «کمیسیون حقوق بشر»، برای دریافت تفسیرهای دولت‌های عضو، پیش‌نویس اعلامیه را در اختیارشان گذاشت، اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی در پاسخ خود انتقاد تندی از متن آن عرضه کرد و تأکید ورزید که این متن بد نوشته شده است و مطالبه‌ی حقوق متعددی را دربردارد که در سطح جهانی به رسمیت شناخته نشده‌اند؛ در این پاسخ همچنین آمده بود که فقط حقوق «اساسی بشر» باید در «اعلامیه» گنجانده شوند و از این حقوق «اساسی» نیز باید تعریفی دقیق ارائه گردد. اساس این دیدگاه در نحوه‌ی ارزیابی حکومت اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی از تمام اهمیت حقوقی و سیاسی «اعلامیه» نمودار می‌شود:

«چنان تصور می‌شود که اعلامیه‌ای با این ماهیت اگر به تصویب «مجمع عمومی» برسد، حقوق یا تعهدات قانونی به وجود نمی‌آورد. شاید به همین سبب است که در تدوین آن به مشخص ساختن مسائل و وضعیت‌های خاص یا به گستره‌ی واقعی آزادی‌ها و حقوق اساسی این همه کم‌توجهی شده است. در مقابل این نکته فراموش نشده که همین اعلامیه به‌عنوان سرچشمه‌ی حقوق و تعهدات اخلاقی معرفی گردد و در نتیجه چه بسا نه فقط منشأ آشفتگی و آشوب‌های داخلی فزاینده، بلکه منبع آشفتگی و دشواری‌های مداوم در «ملل متحد» و نهادهای متفاوت آن نیز باشد. بنابراین

83. General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 866.

بی نهایت مهم است که این متن در حالتی که قالبی به کلی ناپذیرفتنی دارد، تصویب نشود.<sup>۸۴</sup>

نمایندگی اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی در مناظرات «سومین کمیته» نیز همین نظرگاه را حفظ کرد.<sup>۸۵</sup> و بی تردید در پی همین استدلال بود که دولت اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی در رأی‌گیری‌های «سومین کمیته» و «مجمع عمومی» رأی ممتنع داد. در جریان مناظره در «مجمع عمومی» استدلال‌آوری نمایندگی آفریقای جنوبی کمی پیشتر رفت، زیرا دغدغه‌های او به نظرگاه نمایندگان آمریکای لاتین پیوند داده شد. هرچند این نکته را درست می‌دانست که «اعلامیه» در حکم تعریف معتبر آزادی‌ها و حقوق اساسی‌ای بود که در «منشور» اعلام شده اما تعریف نشده بودند، دولت‌هایی که به این «اعلامیه» رأی می‌دادند «به همان نحوی متعهد می‌شدند که گویی معاهده‌ی بیان‌کننده‌ی این اصول را امضا کرده‌اند...»<sup>۸۶</sup>

استاد هامفری نظرگاهی میانه برگزید. هرچند قبول داشت که، به لحاظ فنی، این دیدگاه درست است که قطع‌نامه‌ی «مجمع عمومی» نمی‌تواند به خودی خود تعهدی قانونی و لازم‌الاجرا به وجود آورد، در عین حال معتقد بود که «اعلامیه» قابلیت حقوقی گسترده‌ای دارد و بعضی از دولت‌ها، مانند ایالات متحد و دیگران که در هر فرصتی بر جنبه‌ی غیرحقوقی و غیرالزام‌آور «اعلامیه» تأکید می‌ورزیدند، از یک سو اغراق می‌کردند و از سوی دیگر، به آرمان حقوق بشر آسیب می‌رساندند.<sup>۸۷</sup>

---

84. Document des Nations Unies: UN Doc E/CN. 4/82/Add. 4, *Comments from Governments* (Commentaires des gouvernements).

85. Third Committee, *Summary Records* (Comptes rendus du Troisième Comité), p. 39.

86. M. Andrews (Union sud-africaine), General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 910.

87. John Humphrey, *op. cit* (19), pp. 73-74.

همچنین نگاه کنید به:

John Humphrey, ch. VII, «No Distant Millennium: The International Law of Human Rights», Paris, Unesco, 1989.



«اگر اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر رعایت نشود، فکر نمی‌کنم سیاره‌ی ما آینده‌ای داشته باشد.»



جان هامفری

پاریس، ۷ دسامبر ۱۹۸۸

یکی از نویسندگان پیش‌نویس «اعلامیه» که دبیرخانه‌ی ملل متحد در ۱۹۴۷

تدوین کرده بود.

رئیس «کمسیون» و مدیر بخش حقوق بشر که محور تمام کار نگارش «اعلامیه» بود.

## تحول وضعیت حقوقی «اعلامیه»

هرچند در دوران تصویب «اعلامیه» در «مجمع عمومی ملل متحد»، افراد اندکی تأکید می‌ورزیدند که «اعلامیه» از نظر حقوقی الزام‌آور و لازم‌الاجراست، از آن پس تعداد فزاینده‌ای به این نتیجه رسیدند که آن را از نظر حقوقی برای تمام دولت‌ها لازم‌الاجرا بدانند. سه نوع سند در این تحول نقش داشتند. در وهله‌ی نخست، بسیاری از دولت‌هایی که قانون اساسی خود را پس از ۱۹۴۸ نگاشته‌اند - به‌ویژه دولت‌های جدید و تازه استقلال‌یافته‌ای که از قید استعمار آزاد شده‌اند - در این قانون‌ها به «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» استناد کرده‌اند. در وهله‌ی دوم سازمان‌های بین‌حکومتی محلی که به حقوق بشر اختصاص یافته‌اند یا ماهیتی عام‌تر دارند نیز در اساس‌نامه‌های خود به «اعلامیه‌ی جهانی» استناد ورزیده یا در قطع‌نامه‌های خود آن را تأیید کرده‌اند. و سرانجام خود سازمان ملل متحد و بسیاری از نهادهای تخصصی‌اش در قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های خود بارها و بارها به «اعلامیه» استناد جسته‌اند. جان هامفری خاطر نشان کرد که در واقع، به استثنای اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی، تمام دولت‌هایی که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ رأی ممتنع داشته‌اند سپس به قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های «مجمع عمومی» که دولت‌ها را به رعایت «اعلامیه‌ی جهانی» وادار می‌سازند، رأی مثبت داده‌اند.<sup>۸۸</sup>

بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی - بی‌تردید بیشتر آنان - اعتقاد دارند استناد مداوم به «اعلامیه‌ی جهانی» در تمام این سطوح بهترین نشانه‌ی آن است که «اعلامیه» اکنون به قانون مرسوم بین‌المللی بدل شده است که از لحاظ حقوقی برای تمام دولت‌ها جنبه‌ی الزام‌آور دارد.<sup>۸۹</sup> البته این که حقوق‌دانان بین‌المللی «اعلامیه» را از لحاظ قانونی الزام‌آور بدانند بدان معنا نیست که در همه‌جا به نحوی یکسان رعایت شده باشد یا رعایت بشود. در واقع این نکته‌ی جان هامفری درست، و مایه‌ی تأسف است که «بدبختانه چندان دلیلی وجود ندارد که بیندیشیم حقوق بشر - شاید به

۸۸ نگاه کنید به: John Humphrey, *op. cit.* (16) pp. 75-76. جیمز ف. گرین در اثر مذکور در یانوش شماره‌ی ۷، صص ۲۵-۲۶ نمونه‌های متعددی از متن‌های مهم ملی یا بین‌المللی را که به «اعلامیه‌ی جهانی» استناد جسته‌اند، ارائه کرده است.

89. John Humphrey, *op. cit.*

استثنای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مربوط به عدم تبعیض در مورد گروه‌هایی از اشخاص - امروزه بیشتر از دوران پیش از ۱۹۴۸ رعایت می‌شود.<sup>۹۰</sup>

حدود پنجاه سال پس از آن که افرادی مانند النور روزولت، پ. س. چانگ، چارلز مالک، رنه کاسن و جان هامفری برای تدوین اعلامیه‌ای تلاش ورزیده‌اند که ارزشی جهان‌گستر داشته باشد و رعایت عام را الزامی سازد، بسیاری از چیزها دگرگون شده‌اند. جایگاه اکثریت در ملل متحد از کشورهای لیبرال غربی به کشورهای جهان سوم رسیده است. جنگ سرد شدت یافته، سپس آرام شده، دوباره شدت گرفته و باز هم آرام شده است. مبارزان حقوق بشر امروزه در شبکه‌ی ارتباطی گسترده‌ای به هم پیوسته‌اند که ایجاد جامعه‌ی بین‌المللی حقوق بشر را ممکن ساخته است. از یک سو کار سازمان‌های غیرحکومتی - که محرک و مشوق برنامه‌ریزان آمریکایی سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ بوده‌اند - و از سوی دیگر کار النور روزولت در چارچوب ملل متحد و پس از آن، به قرار دادن حقوق بشر در دستور روز مسائل بین‌المللی یاری رسانده‌اند. پاداش کوشش‌های آن‌ها، گسترش باورنکردنی توجه به این مسائل در سرتاسر دنیا بوده است. حقوق بشر امروزه بیش از هر وقت دیگری فعلیت دارد.

اما به رغم این تحول - و شاید هم بر اثر همین تحول - آنچه را نویسندگان و تصویب‌کنندگان «اعلامیه‌ی جهانی» تحقق بخشیده‌اند هنوز هم بسیار چشم‌گیر جلوه می‌کند. در حالی که مردم هنوز تازه سر از جنگ برمی‌آوردند، جنگ سرد آغاز می‌شد و تجربه‌ی ملل متحد، به‌ویژه در عرصه‌ی اقتصادی و اجتماعی، گام‌های اول خود را می‌پیمود، آنان درست در طول ۳۰ ماه توانستند متنی را تدوین کنند و بر سر آن به توافق برسند که اختلاف‌های زبان‌ها، ملیت‌ها و فرهنگ‌ها را - البته نه به تمامی - بلکه در حدی پشت سر می‌گذاشت که تا آن هنگام در مناسبات بین‌المللی بی‌سابقه بود. برای پی بردن به اهمیت کار آنان می‌توان لحظه‌ای به این نکته اندیشید که برای دست‌یابی به توافق درباره‌ی پیمان‌های بین‌المللی «ملل متحد» در مورد حقوق بشر، ۱۸ سال دیگر لازم بود و بایستی ۱۱ سال دیگر نیز بگذرد تا پس از امضای

90. *Ibid.*

دولت‌هایی که این پیمان‌ها را تصویب نکرده بودند، آن‌ها قابلیت اجرایی پیدا کنند. بگذریم از این که امروزه نیز هنوز، بیش از ۴۰ سال پس از تصویب «اعلامیه»، بعضی از کشورهای مهم، از جمله ایالات متحد، همچنان از امضای این پیمان‌ها خودداری می‌ورزند. کار روی تدابیر اجرایی، در قالب «مئل متحد» حالتی بسیار پراکنده و کم‌تأثیر داشته و فقط در بعضی از چارچوب‌های منطقه‌ای کمی مؤثرتر بوده است. تاریخچه‌ی «اعلامیه‌ی جهانی» نتایج چندی دربردارد. از یک سو تلاش کسانی که در این کار شرکت کرده‌اند، نمونه‌ای استثنایی از همکاری بین‌المللی است. آنان به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و شخصی‌شان، در جریان کاری مشترک به نگارش، پردازش و بازنویسی همه‌ی پیش‌نویس‌ها پرداخته‌اند، برای هماهنگ‌سازی دیدگاه‌های متفاوت زبان را صیقل داده یا اصلاح کرده‌اند و در پرتو نگرش‌های متفاوت با خودشان، به بررسی مفاهیم و فرهنگ‌های خاص خویش دست زده‌اند. آنان همگی نویسنده‌ی «اعلامیه» و یک‌ایک‌شان شخصیت‌هایی برجسته بودند. اما النور روزولت چه بسا از بسیاری جهات از همه چشم‌گیرتر بود. در واقع از او کم‌تر از همه انتظار داشتند، زیرا نه فیلسوف بود و نه حقوق‌دان. با این همه برای چنین کاری دو خصوصیت ضروری داشت که در هیچ‌کس دیگری یافت نمی‌شدند و به احتمال زیاد برای توفیق کار در مورد «اعلامیه» ضروری بودند: جایگاه والای بین‌المللی در محفل‌های سیاسی و نیز در محفل‌های انسان‌دوستانه که به کار «کمیسیون» اعتبار می‌بخشید، و استعداد و هنر آشتی‌دادن «کمیسیون حقوق بشر» با فعالیت‌های دولت خود، جایگاه و استعدادی که بدون آن‌ها تدوین و تصویب «اعلامیه» بی‌هیچ تردیدی به تعویق می‌افتاد یا ناممکن می‌شد.

درحالی که اعتبار حقوقی «اعلامیه» پیوسته بیشتر می‌شود، انواع نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها - که هر روزه وسایل پیچیده‌تری را برای مراقبت از افراد و شکنجه‌ی آن‌ها به کار می‌برند - همچنان نفرت و بیزاری کسانی را برمی‌انگیزند که با نظرگاه النور روزولت و تمام نویسندگان «اعلامیه‌ی جهانی» در باره‌ی جهانی آزادتر و همبسته‌تر موافق هستند.

النور روزولت بی‌تردید راه‌گشا بوده و نشان داده که چگونه «اعلامیه» ممکن است بیشترین تأثیر را داشته باشد: او عادت داشت خطاب به مجامعی که در آن‌ها شرکت می‌کرد بگوید که جست‌وجوی حقوق بشر در مجموع باید نزد هرکس، در هر

روستا، هر شهر، و در همه جای دنیا آغاز شود، زیرا فقط در پرتو تلاش‌های یکایکی افراد است که حقوق بشر سرانجام ممکن است به تمامی محافظت شود.

### چگونه می‌توان حقوق مندرج در «اعلامیه» را تضمین کرد؟

«کمیته‌ی نگارش» در واقع وظیفه داشت که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را بنویسد، اما همچنین به گفته‌ی رنه کاسن بایستی وسایل عملی رعایت آن را زیر نظارت جامعه‌ی ملل متحد و بر فراز حاکمیت‌های مرگ‌بار قدیمی فراهم آورد. این مسأله در همان نخستین جلسات «کمیته‌ی نگارش اعلامیه‌ی جهانی» مطرح شد.

در این جا خلاصه‌ی مهم‌ترین نکات مطرح شده در این مباحثات را می‌آوریم. «اعلامیه‌ی حقوق و آزادی‌های اساسی» به خودی خود اهمیت اخلاقی چشم‌گیری دارد، اما در صورتی مؤثر و کارساز می‌گردد که: — در معاهده‌ای که به‌مثابه قانون بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، گنجانده شود؛

— امضاکنندگان این معاهده بپذیرند که این حقوق در دادگاه‌های کشورهایشان لازم‌الاجرا باشند؛

— در میان عوامل ممکن بازدارنده از هرگونه نقض این معاهده، نوعی نظارت عمومی و بین‌المللی برقرار شود که با ساختارهای زیر تکمیل گردد؛ فرستادن دادخواست به «ملل متحد»، ایجاد نهادی برای بررسی شکایت‌های مربوط به این نقض‌ها، مباحثات در «مجمع عمومی»؛

— دادگاه بین‌المللی حقوق بشر ایجاد شود؛

— تمام دولت‌هایی را که بر این نقض‌ها پافشاری ورزند، بتوان از «ملل متحد» اخراج کرد.

پیمان‌های بین‌المللی  
یا تکمیل «منشور حقوق بشر»

تدوین پیمان‌های بین‌المللی

اعلامیه‌ی جهانی

که رواق «منشور حقوق بشر» است، باید کامل شود

حقوق بشر تضمین‌پذیر نیستند مگر با پیمان‌هایی که دولت‌ها را متعهد می‌سازند.

FÉDÉRATION MONDIALE  
DES ASSOCIATIONS POUR LES NATIONS UNIES

Président du Comité National  
M. Jean BOFFET

Président  
Dr. HERBERT V. STATT  
Trésorier honoraire  
Dr. R. L. C. H. LAPOSTOLLE c/o de COVILLE

Secrétaire général  
M. John A. P. SPILLAS

Bureau central  
1 AVENUE DE LA PAIX  
GENÈVE

Téléphone 2 20 70 - Adresse télégraphique: Fédérale Genève

Monsieur René Cassin,  
Vice-Président du  
Conseil d'Etat,  
c/o Association Française  
pour les Nations Unies,  
Rue de l'Elysée, 2,  
PARIS VIII

Genève, le 29 Septembre 1950

Monsieur,

Nous avons l'honneur de vous faire parvenir le texte de deux résolutions sur les Droits de l'Homme qui furent adoptées par la Cinquième Assemblée Plénière de la Fédération Mondiale des Associations pour les Nations Unies réunie à Genève du 6 au 12 Septembre 1950.

Droits de l'Homme

LA CINQUIÈME ASSEMBLÉE PLÉNIÈRE DE LA FIANU,

"ACCUEILLE avec satisfaction le fait que les Nations Unies élaborent le projet d'un premier Pacte international des Droits de l'Homme,

NOTE que le Conseil Economique et Social des Nations Unies a transmis le projet de Pacte à la Cinquième Session de l'Assemblée Générale des Nations Unies pour immédiate considération,

ESPERER que l'Assemblée Générale, bien qu'adoptant le Pacte et le soumettant aux Gouvernements pour une prompte ratification, améliorera encore son texte en prévoyant une procédure rapide pour les pétitions concernant la violation des Droits de l'Homme,

DEMANDER que l'Assemblée Générale autorise la Commission des Droits de l'Homme à procéder à la préparation d'un projet de Pactes additionnels et mesures concernant les droits économiques, sociaux, culturels, politiques et autres non contenus dans le projet du premier Pacte ainsi que la Commission à sa Sixième Session l'a prévu,

CONSIDERER que les Droits de l'Homme ne peuvent être pleinement garantis que par un Pacte comprenant un mécanisme effectif de mise en application internationale et croit qu'un tel mécanisme ne peut pleinement protéger les Droits de l'individu à moins qu'il ne prévoit un moyen efficace permettant de donner suite à des pétitions individuelles ou de groupes,

DEMANDER que l'Assemblée Générale des Nations Unies étudie la question de la mise en pratique et, à titre de priorité, prépare ou un des protocoles supplémentaires permettant aux Organisations non-Gouvernementales reconnues et, dès que possible, aux individus de soumettre des pétitions, cela sous certaines garanties".

Hommage aux Membres de la Commission des Droits de l'Homme

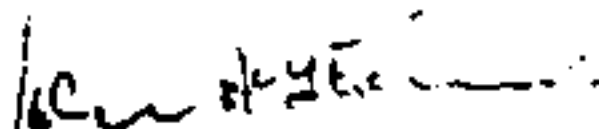
LA CINQUIÈME ASSEMBLÉE PLÉNIÈRE DE LA FIANU,

"Aujourd'hui qu'elle adopte la résolution sur les Droits de l'Homme, saisit cette opportunité pour faire part à trois personnalités distinguées, Membres de ses Associations pour les Nations Unies, Mrs Eleanor Roosevelt, Membre du Bureau de l'Association Américaine pour les Nations Unies, ... René Cassin, Membre Exécutif de l'Association Française pour les Nations Unies et le Professeur Max Sorensen, Membre Exécutif de l'Association Danoise pour les Nations Unies de sa plus vive appréciation pour les efforts qu'ils firent pour élaborer la Déclaration Universelle et le projet de premier Pacte relatif aux Droits de l'Homme".

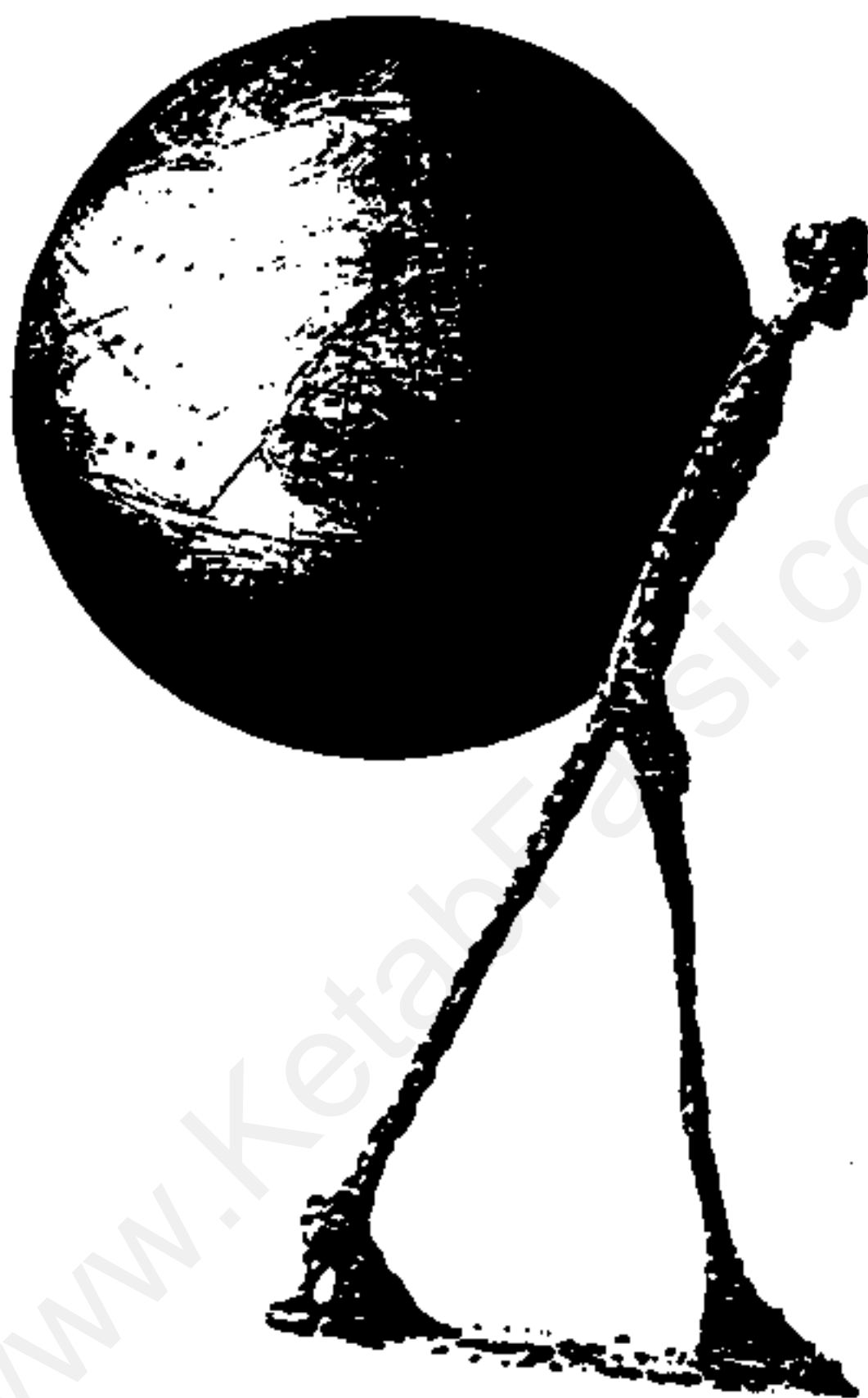
Le texte de ces résolutions a été communiqué au Président de l'Assemblée Générale, à M. Trygve Lie, au Secrétaire-Général Adjoint M. Laugier, au Président et au Secrétaire du Troisième Comité ainsi qu'à tous les Membres du Troisième Comité.

Nous vous envoyons, sous pli séparé, un court rapport sur le travail de l'Assemblée de la FIANU.

En vous priant encore une fois de trouver ici l'expression de notre vive appréciation pour la précieuse contribution que vous avez apportée à la cause des Droits de l'Homme, nous vous demandons de bien vouloir agréer, Monsieur, l'expression de notre haute considération.

  
John L.F. Zanzala,  
Secrétaire Général.

فوتوکپی متن اصلی دو قطع‌نامه درباره‌ی حقوق بشر که در پنجمین مجمع عمومی  
«فدراسیون جهانی انجمن‌های طرفدار ملل متحد» به تصویب رسیده است.  
(ژنو، ۶ تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۰ - آرشیو ر. کاسن. پاریس)



### پیمان‌های ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

با توجه به آن که بر اساس «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»، آرمان بشر بهره‌مند از آزادی‌های مدنی و سیاسی که از ترس و فقر نیز رهایی یافته، فقط در صورت تدوین و تصویب پیمان‌هایی تحقق می‌یابد که امکان برخورداری یک‌ایک انسان‌ها را از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آورند، «مجمع عمومی ملل متحد» در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ دو پیمان زیر را تصویب کرد:



● پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

● پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

اگر «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»، به «آرمان مشترک تمام مردمان و ملت‌ها» توصیف شده، اگر نشان‌دهنده‌ی نیروی اخلاقی اساسی و راهنمای جامعه‌ی بین‌المللی است، دو پیمان پیش‌گفته که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب «مجمع عمومی ملل متحد» رسیده‌اند، قراردادهایی هستند که برای دولت‌های امضاکننده‌ی آن‌ها لازم‌الاجرا محسوب می‌شوند.

● «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» (۱۹۴۸)،

● «پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (۱۹۶۶)،

● «پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (۱۹۶۶)، و مقاوله‌نامه‌ی اختیاری این پیمان از این پس

### منشور بین‌المللی حقوق بشر

را تشکیل می‌دهند.

با رأی یک‌پارچه‌ی مجمع عمومی ملل متحد (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) «منشور حقوق بشر» به مجموعه‌ای کامل بدل گشت. بدین ترتیب این منشور «تکمیل» شد.

### تصویب پیمان‌ها ...

می‌توان دریافت که تصویب چنین پیمان‌هایی برای هر دولتی مهم و دشوار باشد: این کار در حکم پذیرش آن است که نحوه‌ی رفتار با شهروندان یا ساکنان هر کشور که پیشتر در حوزه‌ی صلاحیت انحصاری دولت حاکم بر آن قرار داشت، از این پس از این صلاحیت بومی انحصاری خارج می‌شود. اما دومین جنگ جهانی دقیقاً از همین ادعای حاکمی خودکامه به دراختیارداشتن انحصاری و اعتراض‌ناپذیر همه حقوق - از جمله مرگ و زندگی - اتباع خویش سرچشمه گرفته است، همان‌گونه که در گذشته، پدر

جبار خانواده‌ی رومی بر بردگان و پسرانش حاکمیتی مطلق اعمال می‌کرد. وحدت نوع بشر، همبستگی وحدت‌بخش انسان‌ها و ملت‌ها دیگر اجازه نمی‌دهد که مانند دورانی که اقوام و قبیله‌ها جدا از هم می‌زیستند، چنین عادات زشتی را بپذیریم. یک قانون بین‌المللی مشترک را باید تمام دولت‌ها بپذیرند، قانونی که حقوق بشر را تضمین می‌کند. سازمان ملل متحد همانا برای تدوین و حاکمیت چنین قانون مشترکی ایجاد شده است.

رنه کاسن

مجله‌ی *Éducatons*، شماره‌ی ۱۲

### مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر

(الف) اسناد جهانی

۱. پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) که از ۳ ژانویه‌ی ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 2200 A (XXI), Doc UN A/6316).

۲. پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 2200 A (XXI), Doc UN A/6316).

۳. بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۴۱ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (صلاحیت کمیته‌ی حقوق در مورد دریافت اطلاعاتی‌های هر یک از کشورهای طرف پیمان برضد یک کشور دیگر طرف پیمان). این بیانیه در ۲۸ مارس ۱۹۷۹ به اجرا گذاشته شد.

۴. مقاله‌نامه‌ی اختیاری پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 2200 A (XXI), Doc UN A/6316).

(ب) اسناد منطقه‌ای

۵. معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، با عنوان رسمی معاهده‌ی حفظ حقوق

- بشر و آزادی‌های اساسی که در ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ به اجرا گذاشته شد:  
 2(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 5).
۶. بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۲۵ معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر (حق شکایت فردی) (۱۹۵۰) که در ۵ ژوئیه‌ی ۱۹۵۵ به اجرا گذاشته شد:  
 (Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 5).
۷. بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۴۶ معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) که در ۳ سپتامبر ۱۹۵۸ به اجرا گذاشته شد:  
 (Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 5).
۸. مقاله‌نامه‌ی الحاقی به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۲) که در ۱۸ مه ۱۹۵۴ به اجرا گذاشته شد:  
 (Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 9).
۹. مقاله‌نامه‌ی الحاقی شماره‌ی ۲ به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر که به دادگاه اروپایی حقوق بشر، صلاحیت‌دادن نظر مشورتی اعطا می‌کند (۱۹۶۳). این مقاله‌نامه در ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۰ به اجرا گذاشته شد:  
 (Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 44).
۱۰. مقاله‌نامه‌ی الحاقی شماره‌ی ۴ به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر که حقوق و آزادی‌های دیگری علاوه بر حقوق و آزادی‌های مندرج در «معاهده» و در اولین مقاله‌نامه‌ی الحاقی به آن را به رسمیت می‌شناسد (۱۹۶۳). این مقاله‌نامه در ۲ مه ۱۹۶۸ به اجرا گذاشته شد:  
 (Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 46).
۱۱. مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۶ درباره‌ی الغای مجازات اعدام (۱۹۸۳) که در ۱ مارس ۱۹۸۵ به اجرا گذاشته شد:  
 (Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 114).
۱۲. مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۷ (شناسایی حقوق جدید) (۱۹۸۴) که هنوز به اجرا گذاشته نشده و به امضای هیچ کشوری نرسیده است:  
 (Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 117).
۱۳. مقاله‌نامه‌ی الحاقی شماره‌ی ۷ به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر درباره‌ی سرعت‌بخشی به آیین دادرسی کمیسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۸۵) که هنوز

(اول ژانویه ۱۹۸۸) به اجرا گذاشته نشده است:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 118).

۱۴. توافق‌نامه‌ی اروپایی درباره‌ی اشخاص شرکت‌کننده در دعاوی کمیسیون و دادگاه اروپایی حقوق بشر (۱۹۶۹). این توافق‌نامه در ۱۷ آوریل ۱۹۷۷ به اجرا گذاشته شد:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 67).

۱۵. منشور اجتماعی اروپایی (۱۹۶۱) که در ۲۶ فوریه ۱۹۶۵ به اجرا گذاشته شد:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 35).

۱۶. معاهده‌ی شماره‌ی ۱۰۸ برای محافظت از اشخاص در مورد پردازش ماشینی اطلاعات شخصی (۱۹۸۱) که در ۱ اکتبر ۱۹۸۵ به اجرا گذاشته شده است:

DIR/JUR(86)

۱۷. معاهده‌ی آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) که در ۱۸ ژوئیه‌ی ۱۹۷۸ به اجرا گذاشته شد:

(Organisation des États américains, *Série des traités européens*, n°

36, p. 1) (OAS Official Records, OEA/SER/A/16)

۱۸. منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱) که به تصویب اکثریت اعضای سازمان وحدت آفریقا رسیده و در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ به اجرا گذاشته شده است.

#### اسناد مربوط به پیکار با تبعیض

۱۹. معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵) که در ۴ ژانویه‌ی ۱۹۶۹ به اجرا گذاشته شد:

(Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 660, p. 195).

۲۰. بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۱۴ معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی (شناسایی صلاحیت کمیته‌ی رفع تبعیض جنسی). این بیانیه در ۳ دسامبر ۱۹۸۲ به اجرا گذاشته شد.

۲۱. معاهده‌ی بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (۱۹۷۳) که در ۱۸ ژوئیه‌ی ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 3068, Doc. UN A / 9030).

۲۲. معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (OIT) (شماره‌ی ۱۰۰) درباره‌ی برابری پرداخت مزد به نیروی کار مردان و زنان برای کار با ارزش برابر (۱۹۵۱). این معاهده در ۲۳ مه ۱۹۵۳ به اجرا گذاشته شد:

Nation Unies, *Recueil des traités*, Vol. 165, p. 303.

۲۳. معاهده‌ی یونسکو درباره‌ی پیکار با تبعیض آموزشی (۱۹۶۰). این معاهده در ۲۲ مه ۱۹۶۲ به اجرا گذاشته شد:

Nation Unies, *Recueil des traités*, Vol. 429, p. 93.

۲۴. مقاله‌نامه‌ی ایجاد کمیسیون آشتی و میانجی‌گری برای یافتن راه‌حل اختلافاتی که میان دولت‌های عضو معاهده‌ی پیکار با تبعیض آموزشی ایجاد می‌شوند (۱۹۶۲) این مقاله‌نامه در ۲۴ اکتبر ۱۹۶۸ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 651, p. 363.

۲۵. معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۱۱) درباره‌ی تبعیض شغلی و استخدامی (۱۹۵۸). این معاهده در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۰ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 362, p. 31.

۲۶. معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۵۶) درباره‌ی برابری حقوق و امکانات برای کارگران هر دو جنس: کارگرانی که مسئولیت‌های خانوادگی دارند (۱۹۸۱). این معاهده در ۱۱ اوت ۱۹۸۳ به اجرا گذاشته شد:

*Recueil des conventions et recommandations 1919-1984.*

۲۷. معاهده‌ی بین‌المللی بر ضد آپارتاید در ورزش (۱۹۸۵). این معاهده در ۳ آوریل ۱۹۸۸ به اجرا گذاشته شد:

*Recueil des traités*, 1986.

#### اسناد مربوط به مسائل خاص

(الف) کشتار جمعی، جنایات جنگی، جنایات ضدبشری

۲۸. معاهده‌ی منع و مجازات کشتار جمعی (۱۹۴۸). این معاهده در ۱۲ ژانویه‌ی ۱۹۵۱ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 78, p. 277.

۲۹. معاهده درباره‌ی مرور زمان ناپذیری جنایات جنگی و جنایات ضدبشری

(۱۹۶۸). این معاهده در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۰ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 754, p. 73.

۳۰. معاهده منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا

تحقیرکننده (۱۹۸۴). این معاهده در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, 1985.

۳۱. معاهده‌ی اروپایی درباره‌ی مرور زمان ناپذیری جنایات ضدبشری و جنایات

جنگی (۱۹۷۴). تا اول ژانویه‌ی ۱۹۸۸ به اجرا گذاشته نشده است:

Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 82.

۳۲. معاهده‌ی اروپایی منع شکنجه و کیفرها یا رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرکننده

(۱۹۸۷). این معاهده تا اول ژانویه‌ی ۱۹۸۸ به اجرا گذاشته نشده است:

Conseil de l'Europe, *Série des traités européens*, n° 126.

۳۳. معاهده‌ی سازمان دولت‌های آمریکایی برای منع و مجازات شکنجه (۱۹۸۵).

این معاهده در ۲۸ فوریه‌ی ۱۹۸۷ به اجرا گذاشته شد:

OAS Treaty Series n° 67.

(ب) بردگی، خرید و فروش انسان، کار اجباری

۳۴. مقاله‌نامه‌ی اصلاحی معاهده‌ی مربوط به بردگی که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ در

ژنو تصویب شده (۱۹۵۳) و در ۷ سپتامبر ۱۹۵۳ به امضا رسیده است:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 182, p. 51.

۳۵. معاهده‌نامه‌ی مربوط به بردگی که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ در ژنو به امضا رسیده و

با مقاله‌نامه‌ی مورخ ۷ دسامبر ۱۹۵۳ اصلاح شده است (۱۹۵۳). این

مقاله‌نامه در ۷ ژوئیه‌ی ۱۹۵۵ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 212, p. 17.

۳۶. معاهده‌ی تکمیلی درباره‌ی لغای بردگی، خرید و فروش بردگان و نهادها و

اعمال مشابه بردگی (۱۹۵۶). این معاهده در ۳۰ آوریل ۱۹۵۷ به اجرا گذاشته

شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 266, p. 3.

۳۷. معاهده‌ی مجازات خرید و فروش انسان‌ها و بهره‌کشی از روسپی‌گری (۱۹۴۹).